

## بنام خدا

### موضوع : زندگی نامه و نقد اشعار پروین اعتصامی

## زندگی نامه

رخشنده اعتصامی مشهور به پروین اعتصامی دختر اختر فتوحی و یوسف اعتصامی آشتیانی ملقب به اعتصام الملك، در ۲۵ اسفندماه سال ۱۲۸۵ شمسی در تبریز دیده به جهان گشود. مادرش اهل آذربایجان و پدرش آشتیانی بودند.

تولد او در زمانی رخ داد که جنبش مشروطه تمام جامعه و از جمله ادبیات را تحت تأثیر خود قرار داده بود، و پدر او نیز از نویسندگان و مبارزان آن دوران محسوب می شد. پروین از کودکی با مشروطه خواهان و چهره های فرهنگی آشنا شد، و ادبیات را در کنار پدر و استادانی چون دهخدا و ملک الشعراى بهار آموخت. او در همان دوران و در خانه، زبان های فارسی و عربی را نیز زیر نظر معلمان خصوصی و پدر خود فرا گرفت. وی سپس در کالج دخترانه آمریکایی های تهران به تحصیل ادامه داد. پروین در سال ۱۳۱۲ با تیمسار فضل الله آرتا رئیس شهربانی کرمانشاه و پسرعموی پدرش ازدواج کرد، و به آن شهر رفت. اما پس از دو ماه و نیم زندگی مشترك از همسرش جدا شد، و در کتابخانه دانشسرای عالی به کار پرداخت.

او در شعری علت جدایی خود را به طور سربسته به مورد سرزنش قرار گرفتن " گل " از " خار "، و در " قفس " افتادن " مرغ گرفتار "، پیوند می دهد. پروین اعتصامی در شانزدهم فروردین ماه ۱۳۲۰ و در سن ۳۴ سالگی به علت بیماری حصبه در گذشت و در شهر قم در کنار قبر پدرش در صحن جدید حضرت معصومه، به خاک سپرده شد.

## پروین شاعر

تا سال ۱۳۰۳ که پروین اعتصامی از کالج دخترانه آمریکایی های تهران فارغ التحصیل شد، دوازده قطعه از اشعارش در مجله " بهار " (متعلق به پدرش) و دو قطعه دیگر از آنها در "منتخبات آثار" به همت محمد ضياء هشترودى به چاپ رسیده بود.

اما تنها در سال ۱۳۱۵ و به تشویق ملک الشعراى بهار بود، که دیوان خود را منتشر کرد. دیوان پروین شامل ۲۴۸ قطعه شعر می باشد، که ۶۵ قطعه از آن به صورت مناظره است.

اشعار پروین اعتصامی را می توان به دو دسته تقسیم کرد : دسته اول که به سبک خراسانی گفته شده و شامل اندرز و نصیحت، و بیشتر به اشعار ناصر خسرو شبیه است.

دسته دوم اشعاری به سبک عراقی است، که بیشتر جنبه داستانی و به ویژه از نوع مناظره دارد. این دسته از کازهای او که به سبک شعر سعدی هم نزدیک است، شهرت بیشتری دارند.

از منظر دیدگاه نیز، می توان اشعار اعتصامی را به دو دسته تقسیم کرد. دیدگاه اول، زنانه است. او نیز به سان هر زن دیگری که حرفی برای گفتن دارد، خواهان حقوق مساوی برای زنان است. در اشعار پروین برتر بودن پسران نسبت به دختران به سبب تفاوت آنان در فراهم بودن مقدمات دستیابی به امکانات رشد فکری، نسبت داده می شود. به همین سبب نیز می کوشد، ارزش و تأثیر شخصیت و کار زن را در اشعارش نشان دهد.

او در شعر خود به نام "گنج عفت" از آزادی زنان دفاع می کند. وی همچنین در سخنرانی‌اش در روز فارغ التحصیلی از کالج دخترانه آمریکایی های تهران، از ستمی سخن می گوید که در خلال قرون و اعصار در شرق و غرب در مورد زنان روا داشته شده است.

پروین در این سخنرانی با اشاره به تغییرات مثبت در زندگی زنان غربی، از اینکه زنان در شرق که روزگاری "مطلع شرایع و مصدر مدنیت" بوده و "اخیراً کاروان نیکبختی" از آن کوچ کرده، گله مند است.

وی می گوید: "ایران، وطن عزیز ما که مفاخر و مآثر عظیمه آن زینت افزای تاریخ جهان است، ایران که تمدن قدیمیش اروپای امروز را رهین منت و مدیون نعمت خویش دارد، ایران با عظمت و قوتی که قرن‌ها بر اقطار و ابصار عالم حکمروا بود، از مصائب و شداید شرق، سهم وافر برده، اکنون به دنبال گمشده خود می دود و به دیدار شاهد نیکبختی می شتابد... امیدواریم به همت دانشمندان و متفکرین، روح فضیلت در ملت ایجاد شود و با تربیت نسوان اصلاحات مهمه اجتماعی در ایران فراهم گردد. در این صورت، بنای تربیت حقیقی استوار خواهد شد و فرشته اقبال در فضای مملکت سیروس و داریوش، بالگشایی خواهد کرد." در عین حال خودش هم نخستین زنی است که، انحصار چندین قرنی مردانه بر شعر فارسی را می شکند.

دیدگاه دوم وی، سرشار از اخلاقیات و پند و اندرز است که از نظر برخی، دیدگاه مردانه نامیده می شود.

پروین در اشعار خود به قالبها، الفاظ و محتوی شعر کهن فارسی وفادار مانده، و مضامین اخلاقی و اجتماعی مورد قبول اسلاف خویش را، مد نظر قرار داده است. او اشعارش را در قالب قصاید، مثنویات، تمثیلات، مقطعات و مفردات سروده است.

یوسف اعتصامی پدراين شاعره بزرگ نیز از ادیبان به شمار می رود و مجموعهٔ ۲۴ جلدی بهار را ترجمه کرده است. ملک الشعراي بهار در مورد او گفته: "خانم پروین در قطعات خود مهري مادري و لطافت روح خود را از زبان طیور، از زبان مادران فقير، از زبان بیچارگان بیان می کند، گاه مادري دلسوز و غمگسار است و گاه در اسرار زندگي با ملای روم و عطار و جامی سر هم قدمی دارد."

او در مقدمهٔ چاپ سوم دیوان پروین می نویسد: "خواننده در این قصائد خود را یک باره در عوالم رنگارنگی که به صورت یک عالم مستقل در آمده است حس می کند" وقتی چاپ نخست دیوان پروین نایاب شد، برادرش ابوالفتح اعتصامی (صاحب فروشگاه لولا و قفل) کمر همت بست تا این دیوان مجدداً چاپ شود.

آقای اعتصامی می نویسد: "مدتی بود از خانم پروین اعتصامی تقاضا مینمودم موافقت کنند به طبع مجدد دیوان که نسخ چاپ اول آن از دیرزمانی نایاب شده بود اقدام کنم. بر اثر این اصرار، در نوروز امسال اجازهٔ تجدید طبع را دادند. گمان میبردم چاپ دوم نیز مانند طبع اول تحت نظر خود ایشان انجام خواهد یافت. افسوس که اجل مهلت نداد و خانم پروین اعتصامی که در روز سوم فروردین در بستر بیماری خفته بودند، در نیمهٔ فروردین ۱۳۲۰، نیمه شب، در عنفوان جوانی به سرای جاویدان شتافتند. کاری را که آرزو داشتم در حیات خواهر انجام دهم، ناچار با تأسف و اندوه بسیار پس از درگذشت ایشان صورت دادم و اینک چاپ دوم دیوان از لحاظ ارباب فضل و دانش میگذرد."

این برادر بین چاپ دوم دیوان در سال ۱۳۲۰ تا سال ۱۳۵۵، هشتاد و چهار هزار نسخه دیوان پروین اعتصامی را شخصاً و با عنوان ناشر چاپ کرد. از سال ۱۳۵۵ به بعد نیز، هم خود او و هم افراد دیگر بارها این دیوان را تجدید چاپ کرده اند.

## روابط اجتماعی

پروین اعتصامی به لحاظ اجتماعی زنی کم جوش و حتی خجالتی توصیف شده است. چرا که نامه هایی که برای دوست نزدیکش "سرور مهکامه محمص" نوشته، بیانانگر آنست که در مجموع معاشرت چندانی نداشته است.

اما او که حضور پر رنگش حتی در کتب درسی نیز به چشم می خورد، زنی خرد گرا بود که به شدت با جهل و خودبینی مخالفت می کرد. به همین سبب نیز به کسب دانش و معرفت اهمیت زیادی می داد. چرا که اعتقاد داشت جهل و خودبینی اجازه نمی دهند، انسان معایب خود را ببیند. وی در عین حال، به شدت به وجود عدالت در جهان و بازگشت نتیجهٔ کارها به افراد، ایمان داشت.

## پروین و دیگران

آنچه در باره پروین گفته و یا نوشته شده، بسیار کمتر از حد انتظار است. از مطالبی که در مورد این شاعر بسیار تکرار شده، مخالفت او با دربار پهلوی اول و بی اعتنائیش نسبت به این دربار است.

ابوالفتح اعتصامی در تاریخچه زندگانی پروین، دو موضوع را علت مخالفت خواهرش با دربار پهلوی و حکومت رضاشاه، می داند.

نخست آن که پس از اتمام دوره کالج دخترانه آمریکایی های تهران و مدتی تدریس در این کالج، به او پیشنهاد می شود که به دربار برود. اما پروین این پیشنهاد را نمی پذیرد.

دومین دلیل مربوط به وزارت معارف وقت ایران می شود. این وزارتخانه در سال ۱۳۱۵، نشان درجه ۳ علمی را برای این شاعر فرستاد. ولی "پروین هرگز آن نشان را استعمال نکرد." این برادر بعدها اظهار داشت که نه تنها پروین از آن مدال استفاده نکرد، بلکه با این پیام که "شایسته تر از من بسیاریند" نشان مذکور را پس فرستاد.

منوچهر مظفریان هم که در سال ۱۳۶۲ دیوان پروین اعتصامی را منتشر کرد، به این موضوع اشاره می کند و می نویسد که او با آزادگی و بلند نظری از پیشنهاد ورود به دربار و پذیرش "مدال وزارت معارف ایران" خودداری کرده است.

کریم عسکری نویسنده کتاب "پروین اعتصامی بزرگترین شاعره پارسی زبان"، محمدجواد شریعت در کتاب "پروین، ستاره آسمان ادب ایران"، و حشمت موید در مقاله "جایگاه پروین اعتصامی در شعر فارسی" نیز، از دیگر ایرانیانی هستند که به طور مستقیم به این مسئله پرداخته اند. وینسنت شیان ۱ آمریکایی نیز در نوشته خود، بر این مورد صحنه می گذارد.

پس از مرگ پروین نیز، نقل و حدیثها همچنان ادامه داشت. مثلا صدیق دولت آبادی می نویسد: "...وقتی از مقام وزارت فرهنگ خواش کردم اجازه بدهند مجلس یادبودی در کانون (بانوان) گرفته شود فرمودند: ...مناسب نیست که مجالس حزن انگیز در آن برقرار گردد"

## مقایسه پروین اعتصامی و فروغ فرخزاد

منتقدان پروین اعتصامی، شعر او را مردانه می خوانند. آنها معتقدند که در مقایسه با دیگر زنان شاعر و به ویژه فروغ فرخزاد، عنصر زنانگی در شعر پروین کمتر است.

اما برخی وی را بزرگترین شاعر زن ایرانی می دانند، که در طول تاریخ ادبیات پارسی ظهور نموده است.

این هواداران استدلال می کنند که پروینی که در دوران شکل گیری جنبش زنان در ایران در قلب بانوان این جنبش قرار داشت، و برای تغییر وضعیت زنان تلاش می کرد، پروینی که در جشن فارغ التحصیلی نخستین شعر خود را درباره زنان خواند، نمی تواند شاعری مردانه لقب گیرد. در نهایت تفاوت او با سایرین این است که در برهه ای زندگی می کرد، که مسائل سیاسی و اجتماعی سایر مقولات را به شدت تحت الشعاع قرار داده بود.

از این میان افرادی هم مانند هادی حائری می اندیشند. او در مقاله ای با عنوان "اندیشه های اجتماعی پروین" می نویسد "ارزش این اشعار وقتی بیشتر می شود که می بینیم در زمان حکومت دیکتاتوری رضاخان سروده شده، و حمله در درجه اول متوجه دستگاه سلطنت و شخص رضاخان است."

عده ای دیگر نیز این دو شاعر زن را در هم شکننده حصار مردانه دوازده قرنی شعر فارسی محسوب می کنند، که با فاصله سه دهه در ادبیات ایران درخشیدند. دو شاعری که یکی با پیروی کامل از شعر کهن فارسی، و دیگری با شعر نو و شکستن سنتهای دیرین، توانستند احساسات زنانه خود را به قلم بیاورند.

اما در این میان گروهی نیز قرار دارند، که فروغ را به هیچ روی با پروین قابل مقایسه نمی دانند. آنها پروین را اختر بی همتای آسمان فارسی ادب می دانند و استدلال می کنند که مقدمه ملک الشعراء بهار بر دیوان پروین، آینه تمام نمای مقام والای وی در عرصه شعر پارسی می باشد.

این گروه معتقدند که فروغ تنها برای دل خود شعر می گفت، و گفتارش در حقیقت تنها فریاد خفته و اعتراض به بخت خویش بود. در صورتی که شعر پروین مقدس تر از آن است.

آنها پروین را فریاد خشم ناتوانان و محرومین جهان می دانند. از دید این گروه، در جهان ادبیات شاید تنها بتوان پروین را با ویکتور هوگو مقایسه کرد.

آنها سبب کم توجهی انجمن های ادبی به پروین را، به دیدگاههای وی مرتبط می دانند. چرا که او هم عصر برخی نوپردازان بود، که تنها به ظواهر می اندیشیدند. در حالی که پروین به جز گرایش های عمیق انسانی، به چیز دیگری توجه نداشت.

شباهت عجیبی هم در سرنوشت این دو شاعر زن وجود دارد. چرا که هر دو در بهار جوانی (پروین در ۲۴ و فروغ در ۲۲ سالگی)، چشم از جهان فرو بستند.

پروین اعتصامی شاعری است که بیشتر ایرانیان ابیاتی از او به خاطر دارند.

## پروین و جامعه

شعرهای او نه تنها در محافل و مجالس بلکه همچنین بر منابر، در مراسم سوگواری، به هنگام وعظ و پند و اندرز یا به هنگام تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان همواره شنیده می شود.

ایرانیانی که به مدرسه رفته اند همه در نوجوانی با اشعار او آشنا شده و سالهایی با او مانوس بوده اند اما امروز که شصت و پنج سال از مرگش می گذرد و شعر ایران در این فاصله متحول شده، وقتی به دیوانش نگاه می کنیم، کمتر با شعر ناب برخورد می کنیم.

با وجود این، جایگاه پروین در عرصه شاعری حفظ شده است و شاید هیچ شاعر معاصر کلاسیک دیگری نباشد که شعرش اینهمه میان توده های مردم جا افتاده باشد.

پروین شاعری اخلاقی و اجتماعی است و سخن او که در قالب مناظره بین حیوانات و پرندگان، دانه های خوردنی مانند عدس و ماش یا حتی اشیای ناچیزی چون نخ و سوزن می گذرد، زبان حال مردمان و محرومان به شیوه ای قدمایی است و همان طور که نویسنده کتاب از صبا تا نیما یادآور شده "او از خواهشهای نفس خود و از دلبری و دلربایی زنانه سخن نمی گوید، از مکاتب فلسفی آگاه نیست و قصد تبلیغ و ترویج مرام و مسلک خاصی را ندارد، بلکه ... از شعر و هنر خود تنها چشم اصلاحات اخلاقی و اجتماعی دارد".

پروین با آنکه در جوانی از دست رفت و بیشتر از سی و پنج سال نزیست، تا زمان خود و تا پیش از ظهور فروغ فرخزاد و سیمین بهبهانی، بزرگترین شاعر زن ایرانی به حساب می آمد.

پرویز ناتل خانلری او را "بزرگترین سخنوری" می دانست که "از جنس زن در تاریخ ادبیات ایران ظهور کرده است و در عین حال یادآور می شد که "قصاید او که به استقبال فصحای قرون چهارم و پنجم سروده شده هیچگونه تجدد و تنوعی از لحاظ معانی و بیان نشان نمی دهد".

به جرأت می توان گفت که در شعر پروین نه تنها تجدد و تنوع معانی بلکه نشانی از افکار تجددخواهانه که دهها سال پیش از تولد در ایران آغاز شده بود یافت نمی شود.

اهمیت او در استعداد شکوفایی بود که بسیار زود بروز کرد و موجب اعجاب دیگران شد اما زمانه فرصت نداد که این استعداد و توانایی از نظر درک جهان و رسیدن به جهان بینی ای امروزی به درجه کمال برسد.

سیمین بهبهانی شاعر بزرگ معاصر بدرستی می نویسد پروین با آنکه معاصر نیما بود از هرگونه تحول نیمایی برکنار ماند و تنها حرکات تازه در شعر او همان "ای گریه"، "ای مرغک"، "یاد یاران"، و "نغمه صبح" است که از لحاظ قالب متأثر از قالبهای قدیم

اروپایی و بعضی از چارپاره های نیما هستند و از لحاظ محتوا نیز نفسی تازه در آن دمیده شده است".

علی موسوی گرمارودی در جزوه ای که روزنامه همشهری این روزها به مناسبت صدمین زادروز پروین منتشر کرده، پروین را "آخرین سلاله زنان شاعره ای" دانسته که "هم از جهت نگرش و هم از جهت زبان و بیان و محتوا، به سبک کهن شعر سروده اند".

دیوان پروین پر است از مضامین و موضوعاتی که امروز بیشتر به کار نوشتن مقاله می آید تا سرودن شعر اما ولی الله درودیان نویسنده شاعری با چشمهای آرام که عمری با دیوان پروین مانوس بوده و همین امسال هم در کتاب سرچشمه های مضامین شعر امروز ایران رگ و ریشه های چند شعر معروف پروین را نشان داده است، می گوید پروین متعلق به روزگاری است که هر آدمی حرفی داشت به زبان شعر می گفت، حتی حرفهای خیلی عادی را به صورت شعر می گفتند.

پروین اعتصامی در ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ خورشیدی، دقیقاً هفت ماه و دو روز پس از صدور فرمان مشروطه در تبریز متولد شد و فرزند دوران مشروطه است اما در دیوانش درباره مشروطه یا آزادی به طور مستقیم به مطلبی بر نمی خوریم، اساساً در این وادیها سیر نمی کرد و در افکار دیگری غرق بود، دنیای او از دنیای متون و آدمهایی بیرون می آمد که احتمالاً پیش از روزگار مشروطه سیر می کردند.

شاید با قید احتیاط از دید انتقادی بتوان گفت که پروین با زمان خود خیلی معاصر نبوده است

دیوان پروین پر است از مفاهیمی که می توان عنوان کلی آنها را رنج محرومان گذاشت و او را شاعری طرفدار محرومان دانست اما این طرفداری از محرومان تابع افکار غربی نبوده است بلکه او سعی می کرد به شیوه سنتی و اخلاقی از محرومان و مظلومان در مقابل ستمگران دفاع کند.

با وجود این، شعر پروین به نحوی شگفت انگیز در جامعه ایرانی و بین توده ها نفوذ کرده است.

شاید یکی از علت‌های امر همان دیدگاه اخلاقی باشد که سبب می شود شعر او بسیار بر سر منابر یا به هنگام سوگواریها خوانده شود اما به غیر از این راه یافتن شعر پروین به کتابهای درسی نیز در این کار تأثیری بسزا داشته است.

شعر "طفل یتیم" (کودکی کوزه ای شکست و گریست / که مرا پای خانه رفتن نیست) که دل هر آدمی را بخصوص در ایام جوانی کباب می کند در کتابهای دبستانی جزو درسهای فارسی بود.

یا شعر "اینکه خاک سیهش بالین است" همه جا دیده و خوانده می شود.

اینها همه در شهرت و عمومی شدن شعر پروین تأثیر داشته و این کم موهبتی نیست چون از هر راه که برویم و هر متر و معیاری که به دست بگیریم سرانجام پذیرش عام یکی از معیارهای شعر خوب است.

ولی الله درودیان در علل پذیرش عام پروین می گوید: "برای اینکه زبان شسته رفته و بی پست و بلندی دارد؛ صداقت و صمیمیت در شعر او موج می زند و آدم می پذیرد که این شاعری است که به نمایندگی از سوی محرومان سخن می گوید اما مهمتر از همه قصه سرایی اوست، همه آنچه می سراید همان قصه است که از زبان پرسوناژهای مختلف بیان می کند، چیزی که او خیلی زیر سؤال می برد با مناظرات مختلف خودبینی آدمهاست، من فکر می کنم اگر پروین می ماند همه آنچه امروز دیوانش را تشکیل می دهد سیاه مشقی بیش نبود که اوج نوگرایی آن همان مسمطی است که در استقبال از دهخدا (ای مرغ سحر چو این شب تار) سروده است، در واقع پروین مجال رشد پیدا نکرد".

## ویژگی سخن

پروین در قصایدش پیرو سبک متقدمین به ویژه ناصرخسرو است و اشعارش بیشتر شامل مضامین اخلاقی و عرفانی می باشد. پروین موضوعات حکمتی و اخلاقی را با چنان زبان ساده و شیوایی بیان می دارد که خواننده را از هر طبقه تحت تاثیر قرار می دهد. او در قدرت کلام و چیره دستی بر صنایع و آداب سخنوری همپایه ی گویندگان نامدار قرار داشته و در این میان به مناظره توجه خاص دارد و این شیوه ی را که شیوه ی شاعران شمال و غرب ایران بود احیاء می نماید. پروین تحت تاثیر سعدی و حافظ بوده و اشعارش ترکیبی است از دو سبک خراسانی و سبک عراقی. شعر پروین شیوا، ساده و دلنشین است. مضمونهای متنوع پروین مانند باغ پرگیاهی است که به راستی روح را نوازش می دهد. اخلاق و همه تعابیر و مفاهیم زیبا و عادلانه آن چون ستاره ای تابناک بر دیوان پروین می درخشد.

چاپ اول دیوان که آراسته به مقدمه شاعر و استاد سخن شناس ملک الشعرا بهار و حاوی نتیجه بررسی و تحقیق او در تعیین ارزش ادبی و ویژگیهای سخن پروین بود شامل بیش از یکصد و پنجاه قصیده و مثنوی در زمان شاعر و با قطعه ای در مقدمه از خود او تنظیم شده بود. پروین با اعتقاد راسخ به تأثیر پدر بزرگوارش در پرورش طبعش، دیوان خود را به او تقدیم می کند.

قریحه سرشار و استعداد خارق العاده پروین در شعر همواره موجب حیرت فضلا و دانشمندانی بود که با پدرش معاشرت داشتند، به همین جهت برخی بر این گمان بودند که آن اشعار از او نیست.

پروین اعتصامی بزرگترین شاعر زن ایرانی است که در تاریخ ادبیات پارسی ظهور نموده است. اشعار وی بیش از آنکه بصورت دیوان منتشر شود در مجلد دوم مجله بهار که به قلم پدرش مرحوم یوسف اعتصام الملک انتشار می یافت چاپ می شد (۱۳۰۲ - ۱۳۰۰)

خورشیدی. ( دیوان اشعار پروین اعتصامی که شامل ۶۵۰۰ بیت از قصیده و مثنوی و قطعه است تاکنون چندین بار به چاپ رسیده است .

## نمونه اثر

### آرزوی پرواز

کبوتر بچه‌ای با شوق پرواز  
بجرت کرد روزی بال و پر باز  
پرید از شاخکی بر شاخساری  
گذشت از بامکی بر جو کناری  
نمودش بسکه دور آن راه نزدیک  
شدش گیتی به پیش چشم تاریک  
ز وحشت سست شد بر جای ناگاه  
ز رنج خستگی درماند در راه  
گه از اندیشه بر هر سو نظر کرد  
گه از تشویش سر در زیر پر کرد  
نه فکرش با قضا دمساز گشتن  
نه‌اش نیروی زان ره بازگشتن  
نه گفتی کان حوادث را چه نامست  
نه راه لانه دانستی کدامست  
نه چون هر شب حدیث آب و دانی  
نه از خواب خوشی نام و نشانی  
فتاد از پای و کرد از عجز فریاد  
ز شاخی مادرش آواز در داد  
کزینسان است رسم خودپسندی  
چنین افتند مستان از بلندی  
بدن خردی نیاید از تو کاری  
به پشت عقل باید بردباری  
ترا پرواز بس زودست و دشوار  
ز نو کاران که خواهد کار بسیار  
بیاموزندت این جرئت مه و سال  
همت نیرو فزایند، هم پر و بال

هنوزت دل ضعیف و جثه خرد است  
هنوز از چرخ، بیم دستبرد است  
هنوزت نیست پای برزن و بام  
هنوزت نوبت خواب است و آرام  
هنوزت انده بند و قفس نیست  
بجز بازیچه، طفلان را هوس نیست  
نگردد پخته کس با فکر خامی  
نپوید راه هستی را به گامی  
ترا توش هنر میباید اندوخت  
حدیث زندگی میباید آموخت  
بباید هر دو پا محکم نهادن  
از آن پس، فکر بر پای ایستادن  
پریدن بی پر تدبیر، مستی است  
جهان را گه بلندی، گاه پستی است

## آسایش بزرگان

شنیده‌اید که آسایش بزرگان چیست :  
برای خاطر بیچارگان نیاسودن  
بکاخ دهر که آرایش است بنیادش  
مقیم گشتن و دامان خود نیالودن  
همی ز عادت و کردار زشت کم کردن  
هماره بر صفت و خوی نیک افزودن  
ز بهر بیهده، از راستی بری نشدن  
برای خدمت تن، روح را نفرسودن  
برون شدن ز خرابات زندگی هشیار  
ز خود نرفتن و پیمانهای نپیمودن  
رهی که گمرهیش در پی است نسپردن  
دریکه فتنه‌اش اندر پس است نگشودن

## سخن آخر

درباره پروین کم و بیش گفته اند و نوشته اند، اما آنچه که کمتر گفته شده و پیرامونش در جراید مطلبی کم آمده است، بی اعتنایی پروین به دربار پهلوی اول و واکنش دربار نسبت به او است.

امری که اگر در مورد دیگر شاعران به خصوص نوپردازان، مصداق می یافت، سیاست بازان و انجمن های ادبی و شبه ادبی راه بیندازها و احزاب و گروه های علاقه مند به این گونه مسائل در صورت گرایش نویسنده و یا شاعر به آنان تا سال های سال آن را در بوق و کرنا می کردند و در باد آن می خوابیدند که همفکر و هم رای ما چنین و چنان بود و اما در مورد پروین چون هم عصر برخی نوپردازان بود و به جز گرایش های عمیق

انسانی، به چیز دیگری توجه نداشت، سکوت و بی توجهی کمترین کاری است که تا به حال انجام داده اند و با این شاعره مظلوم در حیات و ممات آن گونه که شایسته او و شعر فاخرش است، نگاه نشده و جا دارد از پروین و شعرش بیشتر بگویند و بنویسند عمر پروین بسیار کوتاه بود، کمتر زنی از میان سخنگویان، اقبالی همچون پروین داشت که در دورانی این چنین کوتاه شهرتی فراگیر داشته باشد. پنجاه سال و اندی است که از درگذشت این شاعره بنام می گذرد و همگان اشعار پروین را می خوانند و وی را ستایش می کنند و بسیاری از ابیات آن بصورت ضرب المثل به زبان خاص و عام جاری گشته است .

استاد بهار در مورد اشعار وی می گویند: " پروین در قصاید خود پس از بیانات حکیمانه و عارفانه روح انسان را به سوی سعی و عمل امید، حیات، اغتنام وقت، کسب کمال، همت، اقدام نیکبختی و فضیلت سوق می دهد " .  
سرانجام آنکه او دیوان خوبی و پاکی است .

پروین برای سنگ مزار خود نیز قطعه اندوهباری سروده که هم اکنون بر لوح نماینده مرقدش حک شده است .

اینکه خاک سیهش بالین است  
اختر چرخ ادب پروین است  
گر چه جز تلخی ز ایام ندید  
هر چه خواهی سخنش شیرین است  
صاحب آنهمه گفتار امروز  
سائل فاتحه و یاسین است  
دوستان به که ز وی یاد کنند  
دل بی دوست دلی غمگین است  
خاک در دیده بسی جان فرساست  
سنگ بر سینه بسی سنگین است  
ببند این بستر و عبرت گیرد  
هر که را چشم حقیقت بین است  
هر که باشی و ز هر جا بررسی  
آخرین منزل هستی این است  
آدمی هر چه توانگر باشد  
چون بدین نقطه رسید مسکین است  
اندر آنجا که قضا حمله کند  
چاره تسلیم و ادب تمکین است  
زادن و کشتن و پنهان کردن  
دهر را رسم و ره دیرین است  
خرم آنکس که در این محنت گاه  
خاطری را سبب تسکین است

**پایان**

